

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 3, Spring 2020, 41-65
Doi: 10.30465/crts.2020.5285

The Analysis and Review of *Danishnama-yi 'Ala'i* (Mola Publication)

Fathali Akbari*

Malakeh Pandjoo**

Abstract

Danishnama-yi 'Ala'i (*The Book of Knowledge for 'Ala' al-Dawla*) in Persian, Mola publication in 1394, consists of a preface written by Manouchehr Sadoughi Saha, besides four parts; logic, Elme Zirin (Tabiiyyat), Music, and Elme Barin (Theology). This publication does not include any sections of geometry, charts, and arithmetic. The arrangement of the sections of this work (Mola publication) is in contrast to the intended order of Ibn Sina. Because the special taste of Ibn Sina in the Alaii encyclopedia is that Elme Zirin is to be placed before the Elme Barin and mathematical sections; while, in this work (Mola publication) this feature is taken from the encyclopedia and the Elme Barin follows logic and is posed before music and Elme Zirin. Footnotes of Mohammad Moein in the science section of the book retrieved from the book published by Anjoman Asar-e Meli, Tehran, 1331 contain references that unfortunately in Mola publication are cited falsely and incorrectly, in contrast to the publication of Anjoman Asar-e Meli. The present study seeks to analyze and criticize the weaknesses and strengths of this manuscript.

Keywords: Ibn Sina, *Danishnama-yi 'Ala'i* ;Mola Publication, *Danishnama-yi 'Ala'i*, Anjoman Asar-e Meli Publication, *Music* ; Daneshgahi Publication.

* Associate Professor Emeritus of Philosophy, University of Isfahan, Iran, fathaliakbari@gmail.com

** MA of Philosophy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author) ,
afsaneh.pandjoo@yahoo.com

Date received: 2019-09-08, Date of acceptance: 2020-02-10

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و بررسی دانش‌نامه علائی، چاپ انتشارات مولی

فتحعلی اکبری*

ملکه پندجو**

چکیده

دانش‌نامه علائی، تصنیف ابن‌سینا به‌زبان فارسی، چاپ انتشارات مولی در سال ۱۳۹۴، مشتمل بر دیباچه‌ای به‌قلم منوچهر صدوقی سها و چهار بخش «منطق»، «علم‌زیرین (طبیعیات)»، «موسیقی» و «علم‌برین (الهیات)» است. کتاب منتشرشده در این نشر فاقد بخش‌های «هندسه»، «هیئت»، و «ارثماطیقی» است. هم‌چنین ترتیب بخش‌های آن برخلاف ترتیب موردنظر ابن‌سیناست. سلیقه خاص ابن‌سینا در دانش‌نامه علائی این بوده است که «علم‌برین» پیش از «علم‌زیرین» و بخش‌های ریاضی قرار بگیرد، اما در دانش‌نامه علائی انتشارات مولی این ویژگی از بین رفته و «علم‌زیرین» بعد از «منطق» و قبل از «موسیقی» و «علم‌برین» قرار گرفته است. پاورقی‌های دکتر محمد معین در بخش «علم‌برین»، که از چاپ انجمن آثار ملی در سال ۱۳۳۱ گرفته شده است، دارای ارجاع‌هایی است که متأسفانه در دانش‌نامه علائی انتشارات مولی شماره صفحات این ارجاع‌ها، برخلاف چاپ انجمن آثار ملی، نادرست و اشتباه‌اند. مقاله حاضر درصدد است نقاط ضعف و امتیازهای این اثر را نقد و بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: ابن‌سینا، دانش‌نامه علائی انتشارات مولی، دانش‌نامه علائی نشر انجمن آثار ملی، موسیقی نشر مرکز دانشگاهی.

* دانشیار بازنشسته رشته فلسفه، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران dr.fathaliakbari@gmail.com

** کارشناس ارشد رشته فلسفه و کلام، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
afsaneh.pandjoo@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۷، تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۱۱/۲۱

۱. مقدمه

آثاری که در زمینه علوم عقلی در دوره اسلامی نوشته شده‌اند یکی از نقاط قوت تفکر در دوران ایران اسلامی است. هم‌چنین، یکی از معیارهای توسعه فرهنگی هر جامعه میزان نشر آثار عقلی آن جامعه است، چه آن‌که مبادرت به تفکر نیازمند خودشناسی است و خودشناسی هرکسی مبتنی بر شناخت فرهنگ اوست. از این رو، شناخت فلسفه ابن‌سینا، که هزار سال گذشته حیات عقلی ما متعلق به اوست، برای خودشناسی ما ضروری است. چاپ و نشر آثار ابن‌سینا به‌ویژه کتاب *دانش‌نامه علائی* از آغاز تصنیف آن تا کنون مورد توجه جدی بوده است و فیلسوفان اسلامی در تدوین فلسفه آن را الگوی خود قرار می‌دادند. در همان عصر ابن‌سینا، فیلسوفی چون بهمنیار گفته است: «من در ترتیب این رساله (*التحصیل*) از حکمت علائی (*دانش‌نامه علائی*) پیروی کردم ...» (بهمنیار ۱۳۴۹: ۱).

دانش‌نامه علائی (بخش‌های «منطق»، «طبیعیات»، و «الهیات») اولین بار در هندوستان چاپ شد (۱۳۰۹ ق، حیدرآباد: چاپ سنگی)؛ دومین بار بخش‌های «منطق» و «الهیات» آن با حواشی و تصحیح احمد خراسانی (۱۳۱۵ ش، تهران: شرکت مطبوعات) به چاپ رسید؛ سومین بار همه بخش‌های آن، به مناسبت هزاره میلاد ابن‌سینا، با مقدمه و تصحیح دکتر محمد معین، محمد مشکوة، و مجتبی مینوی (۱۳۳۱، تهران: انجمن آثار ملی) به زیور طبع آراسته شد. بخش «موسیقی» آن با مقدمه و تصحیح و تلخیص تقی بینش (۱۳۷۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ضمن سه رساله فارسی در موسیقی) منتشر شد. چاپ‌های دیگری نیز از بخش‌های ریاضیات و بخش‌های دیگر آن به عمل آمده است. ما در این مقاله چاپ اخیر *دانش‌نامه علائی* (۱۳۹۴، تهران: مولی) را بررسی و نقد می‌کنیم که در متن این مقاله از آن با عبارت «این اثر» یاد می‌شود.

مسئله ما در این مقاله چگونگی وجوه مختلف و دقیقاً چگونگی امتیازها و کاستی‌های این اثر است. بررسی این اثر ناگزیر دو وجه پیدا می‌کند: از جهی باید مقدمه‌ها و پاورقی‌های مصححان را بررسی کنیم و از وجه دیگر ناگزیریم بخش‌های چهارگانه این اثر را بررسی کنیم و درباره خود ابن‌سینا نیز نکاتی را به میان بیاوریم. از این رو، هم بررسی مقدمه‌های مصححان و هم بررسی متن بخش‌های مختلف این اثر را مدنظر قرار داده‌ایم. اما از آن‌جاکه در این مقاله ذیل برخی عنوان‌ها مثلاً «تحلیل خاستگاه اثر با نقد شکلی و محتوایی» و «رویکرد کلی اثر» جایی برای بررسی مقدمه‌ها یا دیباچه با پاورقی بخش‌های

مختلف آن پیدا نکردیم، ناگزیر دست به تفسیر آفتاب زدیم و چونان توضیح واضحات، امتیازهای سخنان خود ابن‌سینا در متن‌های بخش‌های چهارگانه این اثر را بیان کردیم.

هدف ما در این مقاله حل همین مسئله، یعنی تبیین چگونگی امتیازها و کاستی‌های این اثر است. ما در بررسی چگونگی وضعیت تحلیل در مقدمه‌ها و متن اثر و در نقد وجوه مختلف اثر به نتایجی رسیدیم که نمونه‌ای از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. متولیان چاپ این اثر (انتشارات مولی) از غلط‌بودن بسیاری از شماره‌های صفحات ارجاع‌ها به‌ویژه در پاورقی‌های ستایش‌انگیز دکتر محمد معین غفلت کرده‌اند (در پیوست به برخی از این غلط‌ها اشاره شده است)؛

۲. ترتیب موردنظر ابن‌سینا (که ویژگی *دانش‌نامه علائمی* است) در این اثر (انتشارات مولی) رعایت نشده است. در *دانش‌نامه علائمی*، چنان‌که خود ابن‌سینا تصریح کرده است، علم برین بعد از منطق قرار دارد، یعنی بر علم زیرین (طبیعیات) مقدم است؛ اما در این اثر (انتشارات مولی) «علم زیرین» بعد از «منطق» و قبل از «موسیقی» و «علم زیرین» قرار گرفته است. در صورتی‌که ابن‌سینا در همان آغاز «منطق» می‌گوید: «من تصمیم گرفتم بعد از منطق به علم برین (الهیات) پردازم» و در پایان «منطق» می‌گوید: «زین پس سخن گویم اندر علم برین یعنی علم الهی» و در «طبیعیات» در مبحث عقل فعال با عبارت «اندر علم الهی گفتیم» به علم الهی «که گذشته است» ارجاع می‌دهد. در ادامه، توضیح و شواهد بیش‌تر در این‌باره به‌میان خواهیم آورد؛

۳. در مقدمه ستایش‌انگیز دکتر معین در مبحث «سبب تألیف *دانش‌نامه*» جای بحثی است که ما ذیل عنوان «کیفیت تحلیل و بررسی‌ها و مستدل و مستندبودن اثر» آن را بررسی کرده‌ایم. در این مقاله، بیش‌تر، سعی ما بر این است که در ضمن نقد این اثر (انتشارات مولی)، اطلاعاتی هرچند اندک درباره *دانش‌نامه علائمی* به‌دست آید.

۲. معرفی کلی اثر

۱,۲ نام اثر

ابن‌سینا در متن این اثر نامی برای آن تعیین نکرده است، اما عبدالواحد محمد جوزجانی، شاگرد و ندیم ابن‌سینا، در مقدمه بخش ریاضی، آن را «دانش‌نامه علائمی» نامیده است. شهردان رازی نیز در *نزهت‌نامه علائمی* آن را به همین نام خوانده است (ابن‌سینا ۱۳۹۴: ۲۸۸). در اکثر نسخه‌های خطی نیز نام *دانش‌نامه علائمی* به آن داده شده

است. این که نام حکمت علائی به آن داده شده است حاکی از موضوع این کتاب است؛ و این که در جایی دانش‌نامه علائی خوانده شده است ناشی از تحریف و تصرف ناسخ است.

۲,۲ زمان تألیف اثر

ابن سینا این اثر را بعد از چهل سالگی در ایام اقامت خویش در اصفهان (بین سال‌های ۴۱۲ تا ۴۲۸ ق) در منادمت علاءالدوله ابو جعفر تصنیف کرده است. بخش‌های ریاضی آن به دست محمد جوزجانی از گفته‌های ابن سینا فراهم آمده است (همان: ۲۸۸).

۳,۲ سبب تألیف اثر

ابن سینا درباره سبب تألیف دانش‌نامه علائی به صدور فرمان علاءالدوله اکتفا می‌کند، اما شهردان توضیحی در این باره داده است که در قسمت «محتوای اثر» آن را نقد خواهیم کرد.

۴,۲ بخش‌های این اثر

ابن سینا در آغاز «منطق» این اثر از پنج بخش (علم منطق، علم طبیعیات، علم هیئت، علم موسیقی، و علم آنچه بیرون از طبیعت است) سخن به میان آورده است؛ اما این اثر (انتشارات مولی) فاقد هیئت است که خود ابن سینا به آن تصریح کرده است. نسخه‌های کامل دانش‌نامه مشتمل بر هفت دانش است: منطق، علم برین، علم زیرین، هندسه، هیئت ارثماطیقی، و موسیقی (همان: ۲۸۹). از این میان ریاضیات (هندسه، هیئت، ارثماطیقی، و موسیقی) تقریر خواجه عبدالواحد محمد جوزجانی از گفته‌های ابن سیناست (همان: ۲۳۳، ۲۹۰).

ترتیب بخش‌های دانش‌نامه علائی در این اثر (انتشارات مولی) کاملاً اشتباه است، یعنی نباید «علم برین» بعد از «علم زیرین» و در آخر قرار گیرد، بلکه باید «علم برین» در جای «علم زیرین» (بعد از «منطق») و قبل از «علم زیرین» قرار گیرد. خود ابن سینا علم (علم الهی یا الهیات) را مقدم بر علم زیرین قرار داده و گفته است: «چنان اختیار افتاد که چون پرداخته آید از علم منطق، حیل کرده آید که آغاز از علم برین کرده شود...» (همان: ۷-۸)؛ و در آخر «منطق» گفته است: «زین پس سخن گوئیم اندر علم برین، یعنی علم الهی (همان: ۹)؛ و در مقدمه بخش «علم برین» گفته است: «این علم (علم الهی و علم ربوبیت) ... به آخر آموزند، هر چند به حقیقت اول است؛ ولیکن ما جهد کنیم که به اول آموزیم...» (همان: ۲۸۹). او در «علم زیرین»، در مبحث عقل فعال، با فعل ماضی به علم برین ارجاع داده و گفته

است: «... اندر علم الهی گفتیم ...» (همان: ۲۱۱). محمد مشکوة در پاورقی مقدمه «علم زیرین»، بعد از ذکر روش ارسطو، یعنی تقدم طبيعيات بر فلسفه اولی (علم برین)، می‌گوید: نخستین کتابی که تقدم علم الهی بر طبيعيات را پیش گرفته است کتاب حاضر (*دانش‌نامه علائی*) است (همان: ۱۲۱) و دکتر معین می‌نویسد: «نسخه‌های *دانش‌نامه* را آقای مشکوة در مقدمه بخش سوم *دانش‌نامه* (طبیعیات) و نگارنده در دیباچه بخش دوم (علم برین) آورده‌اند» (همان: ۵).

۳. خاستگاه اثر

در دوره ساسانیان در شهرهایی چون جندی‌شاپور، اصفهان، همدان، ری، خراسان، و دیگر جاهای ایران‌زمین فرهنگی نسبتاً غنی پدید آمده بود که بر اثر فتوحات اسلامی، در قرن اول و دوم هجری، به فرهنگ‌های یونانی و سریانی موجود در اسکندریه، انطاکیه، نصیبین، و امثال آن‌ها برخورد و در نتیجه این برخورد، غنی‌ترین فرهنگ آن روز جهان طی قرن‌های سوم و چهارم هجری شکل گرفت که نهضت ترجمه و بیت‌الحکمة بغداد از مظاهر آن بودند. در این زمان بستری فراهم آمد برای ظهور فیلسوفانی چون فارابی و ابن‌سینا با شرح صدری بسیار و آمادگی برای بررسی هر فکر عقلی‌ای که به گوششان می‌خورد. در قرن چهارم هجری بود که فلسفه اسلامی مبتنی بر سلسله‌مراتب هستی به‌شکل نهایی درآمد.

این اثر، در زبان فارسی، مهم‌ترین اثر دوران تأسیس فلسفه اسلامی است که دانش‌های هفت‌گانه آن روزگار را در بر دارد. این اثر، از همان زمان که تألیف شد و در آن برخلاف رسم معمول آن زمان علم برین مقدم بر علم زیرین قرار گرفت، مورد قبول فیلسوفانی چون بهمنیار در *التحصیل* و قطب شیرازی در *دره التاج* و حتی سبزواری در *غرر الفراید* قرار گرفت.

۴. مؤلفه‌های جامعیت صوری اثر

در این اثر اکثر مؤلفه‌های جامعیت صوری وجود دارد:

۱. مقدمه مصنف در آغاز «منطق» مشتمل است بر بیان انگیزه مصنف در تألیف اثر، اهداف (بیان اصل‌ها و نکته‌های پنج علم از علوم حکمت پیشینگان)، و بیان نظر مصنف در خصوص تقدم علم برین بر علم زیرین (همان: ۷-۹)؛

۲. مقدمه اول دکتر معین مشتمل بر امتیازهای این اثر، معرفی نسخه‌های خطی آن، و چگونگی تصحیح اثر است (همان: ۳-۶)؛
۳. مقدمه دوم دکتر معین که شامل بررسی نام اثر، زمان تألیف آن، سبب تألیف آن، و نسخه‌های آن است. ضمناً حاشیه‌نویسی دکتر معین در بخش «علم برین» کاری سترگ در توضیح اصطلاحات فلسفی است (همان: ۲۸۵-۳۰۷ و دنباله)؛
۴. مقدمه محمد مشکوة شامل معرفی اثر و نسخه‌های آن و بیان‌گر برخی نوآوری‌های ابن‌سیناست (همان: ۱۱۹-۱۲۵)؛
۵. مقدمه نقی بینش مشتمل بر خلاصه‌ای ستایش‌انگیز از موسیقی این اثر است (همان: ۲۲۹-۲۴۰)؛
۶. دیباچه منوچهر صدوقی سها مشتمل بر دلیل استمرار فلسفه در ایران، متون فلسفی به‌زبان فارسی، و طریق اتصال ابن‌سینا به فارابی است، هرچند این دیباچه چندان ربطی به دانش‌نامه علائی ندارد؛
۷. نمودارهای متن اثر:
 - ابن‌سینا در بخش منطق، برای بیان قیاس مرکب، نخستین شکل از اشکال کتاب اقلیدس را آورده و در آن با دو دایره متقاطع و در واقع با دو قیاسی که در هم ادغام شده‌اند، «مثالث» را به‌ثبوت رسانده است (همان: ۶۵)؛
 - در طبیعیات این مسئله را که چرا انسان یک چیز دورتر را کوچک‌تر می‌بیند با نموداری بیان کرده است (همان: ۱۹۱)؛
 - در بخش علم برین برای بیان ابعاد سه‌گانه جسم از دو چلیپا سود جسته است (همان: ۳۱۹)؛
 - برای ابطال جزء لایتجزا از سه تصویر چینش اجزا بهره برده است. چنان‌که در دلیل چهارمی که برای ابطال جزء لایتجزا اقامه کرده از نموداری بهره برده است (همان: ۳۲۵-۳۲۷)؛
۸. خلاصه بخش موسیقی با بیانی روان و ساده در مقدمه تقی بینش دیده می‌شود (همان: ۳۳۲-۲۴۰)؛
۹. نمایه‌های این اثر بدین شرح‌اند:
 - نمایه اصلی تحت عنوان فهرست اعلام و اصطلاحات (همان: ۴۵۹-۴۹۲)؛

- نمایه اختلاف نسخه‌های موزة لندن (ستون اول) و نسخه ملک (ستون دوم) (همان: ۲۷۲-۲۷۸)؛
- نمایه اصطلاحات موسیقی در چهار ستون فارسی، توضیح، فرانسه، و انگلیسی (همان: ۲۷۹-۲۸۲).

۵. کیفیت چاپ و امور فنی اثر

۱. طرح جلد اثر با خوش‌نویسی استاد حمید عجمی مناسب است؛
۲. حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی اثر مناسب است؛
۳. کیفیت لیتوگرافی و چاپ اثر خوب است؛
۴. صحافی عالی است؛
۵. قطع اثر مناسب است؛
۶. غلط‌های چاپی و غیره در این اثر (انتشارات مولی) فراوان است که در پیوست به آن‌ها اشاره می‌شود.

۶. محتوای اثر

۱,۶ درون‌ساختاری اثر

الف) میزان انسجام و نظم منطقی بخش‌های این اثر و کل آن: نظم موردنظر ابن سینا در *دانش‌نامه علائی* بدین ترتیب است: منطق، علم برین، علم زیرین، هندسه، هیئت، ارثماطیقی، و موسیقی. اما در این اثر (انتشارات مولی) «علم برین» با «علم زیرین» جابه‌جا شده و «علم زیرین»، به‌غلط، قبل از «علم برین» قرار گرفته است، چنان‌که ذیل عنوان «بخش‌های این اثر» دلایل غلط‌بودن ترتیب این اثر (انتشارات مولی) آورده شد.

در *دانش‌نامه علائی* درباره این‌که چرا و از چه لحاظ علم برین مقدم است توضیحی داده نشده است. اما در «الهیات» *شفا* چنین آمده است: «نام این دانش مابعدالطبیعه است ... معنای 'بعد' در 'مابعدالطبیعه' بعدیت و تأخر نسبت به ما (بالتیاس الینا) است. زیرا ما در نخستین مشاهده وجود و در نخستین پژوهیدن احوال وجود با وجود طبیعی روبه‌رو می‌شویم» (ابن سینا ۱۴۰۴ ق: ۲۱-۲۲).

ظاهراً ابن سینا این توضیح را از اسکندر افرودیسی (۱۹۸-۲۱۱ م) گرفته است، آن‌جا که اسکندر افرودیسی گفته است: «آن دانشی که وی (ارسطو) آن را متافوسیکا عنوان داده است

از این روی که نسبت به ما (pros hemas)، از لحاظ ترتیب و نظم، پس از آن (طبیعیات) می‌آید» (به نقل از شرف ۱۳۶۶: ۴۰).

ابن سینا، پس از ذکر دلیل قرار گرفتن الهیات بعد از طبیعیات و این که تأخر الهیات نسبت به ما (بالتیاس الینا) است، به نظمی دیگر (نظم دانش‌نامه) اشاره کرده و گفته است: «اگر این دانش (علم برین) به حسب ذات خویش در نظر گرفته شود، شایسته نام «ماقبل‌الطبیعه» است، زیرا اموری که در این دانش مورد بحث واقع می‌شوند هم بالذات و هم بالعموم قبل از طبیعت‌اند» (ابن سینا ۱۴۰۴ ق: ۲۲).

منظور ابن سینا از «قبلیت بالذات» این است که چیزهایی در علم برین مورد بحث واقع می‌شوند که قبل از طبیعت و علت طبیعت‌اند، مانند مبدأ نخستین و سایر مبادی عالی‌ه؛ و منظور از قبلیت بالعموم آن است که علم برین از امور عامه بحث می‌کند و «امور عامه برای اذهان ما شناخته‌ترند» (ابن سینا ۱۴۰۵ ق: ۸). پس توضیح آن‌چه در دانش‌نامه علائی ناگفته مانده است همین قبلیت بالذات و بالعموم علم برین نسبت به علم زیرین است، هر چند طبیعیات (محسوسات) نسبت به ما (بالتیاس الینا) مقدم‌اند.

ب) میزان نظم منطقی مطالب در درون بخش‌ها و فصول اثر:

- نخست، «منطق»:

هر چند مقدمه «منطق» به قلم دکتر معین کوتاه است، از انسجام کامل برخوردار است. او نسخه‌شناسی منسجم، به‌ویژه در خصوص نسخه‌های کتاب‌خانه‌های ترکیه، است. نظم متن «منطق» این اثر همان نظم ارسطویی است که منسجم‌تر و منقح‌تر شده است. ابن سینا کار ارسطو را در منطق تام و کامل می‌شمارد (ابن سینا ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ۳، ۱۱۴). ولی برخلاف آن‌چه از ظاهر برمی‌آید، ارغنون ارسطو حاوی تقریر منظم مسائل منطق نیست، زیرا ارسطو قاطیغوریاس و کتاب دوم تا هفتم طویقیا را قبل از کشف قیاس نوشته است (بریه ۱۳۵۲: ۲۲۴-۲۲۵).

ابن سینا در این اثر فصل خاصی به خطابه و شعر اختصاص نداده است. شاید به این دلیل که خطابه یقین‌آور نیست، در حالی که منطق به دنبال یقین است. شعر هم شاید بابتی از ابواب خطابه شمرده شود.

- دوم، «علم برین»:

مقدمه تحسین برانگیز دکتر معین بر «علم برین» این اثر بسیار پرمحتوا و منسجم است و پاورقی‌های او در «علم برین» اصطلاحات فلسفی را به‌طور کم‌نظیر توضیح داده است. «علم

برین» این اثر منظم‌تر از متافیزیک ارسطوست، زیرا همه فصول و کتاب‌های متافیزیک ارسطو بر نسق واحد نیست: نخست، الف صغرای آن مقدمه‌ای بر علم طبیعت است و پاسیکلس آن را نوشته است، پس باید جدا از اجزای دیگر این مجموعه (متافیزیک ارسطو) در نظر گرفته شود؛ دوم، کتاب دلتای آن شرح اصطلاحات فلسفی است؛ سوم، مثلاً جوهر به‌طور پراکنده در کتاب‌های انا، زتا، ثتا، یتا، و مو آمده است؛ چهارم، شماری از اجزای متافیزیک (آلفا، بتا، گاما، اپسیلون، مو، و نو) قدیم‌تر و به مکتب افلاطونی نزدیک‌ترند؛ پنجم، کتاب کاپا دفتری از شاگرد ارسطوست.

اما «علم برین» در دانش‌نامه علائمی کاملاً منسجم است و با تقسیم عقل به نظری و عملی آغاز می‌شود، برخلاف کتاب *عیون/الحکمه* که فلسفه اولای آن با اثبات فلسفه اولی از راه اثبات عوارض ذاتی ویژه برای موجود مطلق (نامقید به قید طبیعی، ریاضی، و منطقی) شروع می‌شود (ابن‌سینا ۱۹۵۴: ۶۱)، چنان‌که آغاز اولین فصل *اسفار ملاصدرا* نیز مأخوذ از *عیون/الحکمه* است (ملاصدرا ۱۳۸۷ ق: ۲۳، ۶-۲۴، س ۵). شارحان *اسفار* تاکنون از این نکته غافل مانده‌اند.

«علم برین» در این اثر مشتمل بر ۵۷ فصل است که متناظر با فصل‌های شصت‌گانه «الهیات» *شفاست* (صرف‌نظر از فصل چهارم از مقاله اول آن که فهرست کامل فلسفه اولی است). شهرستانی مسائل فلسفه اولی را منحصر به ده مسئله دانسته است که با فهرست مسائل «علم برین» در این اثر منطبق است (شهرستانی ۱۳۳۵: ۳۸۲-۴۰۴). انسجام درونی «علم برین» در این اثر مبتنی بر تقابل حرکت طبیعی و حرکت قسری است، به‌طوری‌که اگر ابن‌سینا حرکت را منحصر به قسری می‌کرد، علم برین او یک‌سره از میان می‌رفت. تأکید ابن‌سینا بر بطلان جزء لایتجزای متحرک با حرکت قسری از همین‌جا نشئت می‌گیرد (ابن‌سینا ۱۳۹۴: ۳۲۴-۳۲۹). در این اثر شکل‌های تخیلی و انتزاعی علم نجوم به منزله اشیا واقعی و خارجی تلقی می‌شوند و ستاره‌شناسی ریاضی به‌صورت یکی از علوم طبیعی مربوط به فلک درمی‌آید.

- سوم، علم زیرین:

«علم زیرین» نیز در این اثر به‌تعبیر بهمنیار مذهب شده است (بهمنیار ۱۳۴۹: ۱) و به‌نحوی بر تقابل حرکت طبیعی و حرکت قسری استوار است که اگر حرکت منحصر به قسری می‌شد و جهان مکانیکی بود و طبع و نفس مطرح نبود، طبیعات ابن‌سینا از میان می‌رفت.

- چهارم، موسیقی:

مقدمه «موسیقی» به قلم تقی بینش از نظم کامل برخوردار است و تلخیص بخش موسیقی بر انسجام این مقدمه افزوده است. «موسیقی» این اثر را به سه قسمت می‌توان تقسیم کرد:

- قسمت اول درباره نغمه‌هاست؛

- قسمت دوم درباره ایقاع (سنجش وزن) است؛

- قسمت سوم مربوط به آلات الحان است.

۲,۶ نقد منابع

الف) نقد و تحلیل میزان اعتبار منابع دیباچه و مقدمه‌های اثر:

۱. دیباچه این اثر تاحدی از منابع معتبر بهره‌مند است، اما برخی اظهارنظرها در آن فاقد منبع معتبر است که توضیح آن در ادامه خواهد آمد؛
۲. مقدمه «منطق» دارای منبع قابل استناد است؛
۳. مقدمه «علم زیرین» نیز به منابع معتبر مستند است؛
۴. مقدمه «موسیقی» در بردارنده خلاصه‌ای مستند به خود رساله «موسیقی» این اثر است؛
۵. مقدمه «علم برین» خود دارای فهرست منابع جداگانه‌ای است.

ب) نقد منابع متن اثر:

ابن سینا معمولاً به ارسطو رجوع می‌کند، مثلاً در اواخر «سفسطه» شفا درباره اعتبار منبع خویش می‌گوید: «... باین که نزدیک به ۱۳۳۰ سال از زمان ارسطو گذشته، هرگز کسی نتوانسته بر او ایراد بگیرد ... کار او تام و کامل است» (ابن سینا ۱۴۰۴ ق: ۱۱۴). ابن سینا در این اثر از ارسطو به عنوان امام حکیمان و دستور و آموزگار فیلسوفان یاد کرده است (ابن سینا ۱۳۹۴: ۴۰۸) (دستور ریشه دکتر است (لغت‌نامه دهخدا ۱۳۷۳: ذیل مدخل «دستور»)). باین حال، ابن سینا در جاهایی بر ارسطو پیشی می‌گیرد. او می‌گوید: «... من چیزهایی را که با فکر خود به آنها رسیدم بر آنچه در کتب قدما بود افزودم، خصوصاً در علم الطبیعه و مابعدالطبیعه و منطق ...» (ابن سینا ۱۴۰۴ ق: ۹-۱۰).

۳,۶ وضعیت تحلیل اثر

الف) قدرت تجزیه و تحلیل در مقدمه‌ها:

۱. قدرت تجزیه و تحلیل در دیباچه اثر چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. ما در بند قبلی بدین نکته اشاره کردیم. اکنون به اختصار توضیح می‌دهیم که مثلاً نظر نویسنده این دیباچه مبنی بر این که از قرن هفتم بدین سو «آفتاب علوم اوایل یا همان فلسفه ... فی الحقیقه در حوزه تسنن غروب کرد» (ابن سینا ۱۳۹۴: ۱۲) فاقد منبع معتبر است؛ زیرا در همان قرن هفتم هجری و حتی در آغاز دوره صفویه، فیلسوفانی چون کاتبی و خفیری و صدها فیلسوف دیگر در حوزه‌های تسنن بودند، تاجایی که علامه حلی در قرن هفتم هجری بر کتاب *حکمة العین* تألیف کاتبی شرحی تحت عنوان *ایضاح المقاصد* نوشت (که در ۱۳۳۷ ش، با نمایه ستایش‌انگیز علی نقی منزوی به چاپ رسید). شاید غروب فلسفه در حوزه تسنن با ظهور صفویه رخ داده باشد، یعنی در آن زمان که محتسبان صفویه علمای اهل سنت را در ایران به حاشیه و شاید به نابودی کشاندند. مثلاً وقتی که شاه اسماعیل وارد شیراز شد، اکثر علمای آن‌جا از مخالفان (یعنی از اهل سنت) بودند. شاه آنان را احضار کرد و دستور داد خلفای سه‌گانه را لعنت کنند. آنان چون تقیه در لعنت‌کردن را جایز نمی‌دانستند، از لعن امتناع ورزیدند. پس به فرمان شاه اسماعیل همه آنان کشته شدند. سپس به گوش شاه اسماعیل رسید که یکی از افاضل اهل سنت به نام شمس‌الدین خفیری (که یکی از آثارش حاشیه بر «الهیات» تجرید است) زنده مانده است. شاه او را هم احضار کرد و به او دستور داد که خلفای سه‌گانه را لعن کند. خفیری شدیداً خلفای سه‌گانه را لعن کرد و از کشته‌شدن رهایی یافت. همین که از پیش شاه بیرون آمد، هم‌کیشانش از او پرسیدند: «چگونه از دین خود برگشتی و پیشوایان خود را لعن کردی؟» خفیری پاسخ داد: «یعنی از برای دو سه عرب فلان جابرهنه مرد فاضلی هم‌چون من کشته شود» (به نقل از موسوی خوانساری اصفهانی ۱۳۹۲: ۱۹۵-۱۹۶). پس غروب فلسفه نه در قرن هفتم تا نهم هجری، بلکه شاید در قرن دهم به بعد رخ داده باشد.

آنچه در این دیباچه تحت عنوان «اشعار به وجود متون فلسفی در زبان فارسی» آمده است تماماً نقل قول از دکتر غلامحسین صدیقی است. در آخرین قسمت این دیباچه چنین آمده است:

یکی از خصایص خاص‌الخاص تاریخ فلسفه در ایران همانا تسلسل ساری در حلقات فلاسفه است تا بدان جایگاه که ایدوناً بتوانم سلسله اساتید خویش مسلسلأ با صدر المتألهین متصل گردانم و مثل را از یک طریق چنین آورم که من بنده سها شاگرد شیخ علی محمد جولستانی‌ام و او شاگرد آقا میرزا مهدی آشتیانی می‌بوده است (ابن سینا ۱۳۹۴: ۳۲).

اما اگر بشود با آقای سها و آقا شیخ علی محمد جولستانی حلقه فلاسفه را به هم وصل کرد، کسی نمی‌تواند منکر اتصال حلقات فلاسفه باشد، زیرا همیشه مراکز علمی و حوزه‌های تعلیم و تعلم از زمان فارابی تا کنون وجود داشته است و مدرسان هر دوره‌ای مدرسان بعد از خودشان را تربیت کرده‌اند. اصلاً بحث درباره اتصال حلقات مدرسان نیست؛

۲. مقدمه دکتر معین و پاورقی‌های او در بخش «علم برین» درباره موضوعاتی چون نام دانش‌نامه علائی، زمان تألیف آن، سبب تألیف آن، و تعدد آثاری که نام دانش‌نامه به آن‌ها اطلاق شده است از قدرت تجزیه و تحلیل نیرومندی برخوردار است، هم‌چنین معادل‌هایی که ماهرانه در پاورقی‌های او برای اصطلاحات فلسفی برگزیده شده‌اند؛

۳. مقدمه «علم زیرین»، علاوه بر توضیح درباره نسخه‌های خطی دانش‌نامه علائی، بیان‌گر سلیقه خاص ابن سینا در این اثر است؛

۴. مقدمه بخش موسیقی مشتمل بر تحلیل سبک نثر فارسی ابن سینا و مهم‌ترازان تلخیص توأم با تحلیل همه بخش موسیقی این اثر است.

(ب) قدرت تحلیل در متن اثر:

این اثر خود تجسم تحلیل‌هایی است که نقطه عطف در تاریخ تفکر منطقی، فلسفی، و ریاضی است. تحلیل‌های منطقی ابن سینا از چنان قدرتی برخوردار بود که هیچ فیلسوفی در دوره اسلامی به پای او نرسید. تقدیر چنین رقم خورد که منطلق او مفصل‌ترین منطق در دوره اسلامی باشد و علم برین او منظم‌ترین متافیزیک جهان تا دوران جدید باشد. از ریاضیات دانش‌نامه فقط بخش موسیقی آن در این اثر (انتشارات مولی) آمده است که ما چهار کار ابن سینا را در بخش موسیقی یادآور می‌شویم:

- آوردن دو واژه زیبای تیزی و گرانی به عنوان معادل‌های فارسی برای حدت و ثقل (همان: ۲۳۳)؛

- بسیاری از انواع مختلف تألیف لحن از مباحث اختصاصی بخش موسیقی این اثر است (همان: ۲۴۰)؛

- در موسیقی ابن‌سینا، برای اولین بار سایه موسیقی بر سر شعر گسترده شد و این دو در چهارچوب ایقاع واحد به هم آمیختند و شعر جزئی از اجزای موسیقی شد (ابن‌سینا ۱۴۰۵ ق: ۲۴)؛

- هم‌صدایی را نیز ابن‌سینا برای اولین بار مطرح کرد (همان: ۲۰).

ج) کیفیت تحلیل (مستدل‌بودن و مستندبودن) اثر:

چنان‌که اشاره شد، کیفیت تحلیل در دیباچه غالباً مستدل نیست. مقدمه «علم‌زیرین» مشتمل بر تحلیل مستند در مورد سلیقه خاص ابن‌سینا در مقدم‌داشتن علم برین بر علم زیرین است. مقدمه بخش «موسیقی» تحلیل مستند مندرجات بخش موسیقی درعین تلخیص آن است. مقدمه «علم برین» به قلم توانای دکتر محمد معین شامل تحلیل‌هایی مستدل و مستند به ۲۵ منبع معتبر است. تنها جای بحث در این مقدمه آن است که دکتر معین نوشته است:

در سبب تألیف کتاب *(دانش‌نامه علائی)*، شیخ تنها به ذکر صدور فرمان علاءالدوله اکتفا کرده است، اما شهردان بن ابی‌الخیر در *نزهت‌نامه علائی* این مطلب را آشکار می‌سازد. وی می‌گوید: «شنیدم که ... علاءالدوله ... بوعلی سینا را گفت: اگر علوم اوایل به پارسی بودی می‌توانستی دانستن؛ و بدین سبب به حکم فرمان *دانش‌نامه علائی* ساخت؛ و چون پرداخت و عرضه کرد، از آن هیچ درنتوانست یافتن».

اما سخن مذکور شهردان نه تنها این مطلب را آشکار نمی‌کند، بلکه مخالف سخن ابن‌سیناست، زیرا سخن شهردان دال بر آن است که ابن‌سینا کتاب را برای خود علاءالدوله نوشته است، در صورتی که ابن‌سینا صریحاً می‌گوید: «فرمان علاءالدوله ... آمد به من بنده ... که مر خادمان مجلس وی را کتابی تصنیف کنم به پارسی دری ...» (ابن‌سینا ۱۳۹۴: ۲۸۸). پس ابن‌سینا، طبق فرمان، کتاب را برای خادمان مجلس علاءالدوله، و نه برای خود علاءالدوله، نوشته است؛ بنابراین این موضوع برخلاف سخن دکتر معین که می‌گوید «شهردان ... این مطلب [سبب تألیف اثر] را آشکار می‌سازد» چندان دقیق نیست، زیرا سبب تألیف این اثر فرمان علاءالدوله است، اما نه برای خود علاءالدوله، بلکه برای خادمان مجلس او. شماره صفحات ارجاعی پاورقی‌های ستایش‌انگیز دکتر معین در بخش «علم برین (علم الهی)» در نسخه

انتشارات مولی در هم ریخته است که در پیوست این مقاله برخی از آن‌ها، و نه همه آن‌ها، اصلاح شده است.

کیفیت تحلیل در متن اثر در اوج قله رفیع تحلیل قرار دارد؛ به‌ویژه «علم برین (علم الهی)» در دوره یونانی و اسلامی بی‌نظیر بوده است. این اثر منظم‌ترین متافیزیک در این دو دوره بوده است، زیرا هدف ابن‌سینا در «علم برین» یگانه‌سازی دین و فلسفه است. او برای این کار اصولی را (از قبیل عنایت، صدور، مبدأ اول، علل، قوه، فعل، و جواهر) پیش کشید که البته همه آن‌ها از ابتکارات خود او نبودند، اما او به آن‌ها سروسامان جدیدی داد. از این رو، این اثر قرن‌ها اساس فلسفه الهی شمرده شد، دامنه تأثیر آن به مدارس مسیحی و حتی یهودی کشیده شد، و تاریخ گسترده‌ای پیدا کرد.

(د) کیفیت نقد آرای دیگران:

در مقدمه‌های مصححان نقد آرا مطرح نشده است. فقط در مقدمه «علم زیرین» به قلم محمد مشکوة دو روش (روش ارسطو و روش شرقی) و سبب ترجیح روش شرقی (تقدم علم برین بر علم زیرین) که ظاهراً تألیف اسبق آن *دانش‌نامه علائی* است بررسی شده است (همان: ۱۲۱).

خود ابن‌سینا توجه خاصی به آرای دیگران داشته است، مثلاً در «علم برین» با پنج حجت (برهان) رأی اصحاب جزء لایتنجزا را باطل کرده است (همان: ۳۲۴ و دنباله)، چنان‌که رد آرای دیگران در صفحات ۱۳۶، ۱۴۰، دنباله، و صفحات دیگر این اثر دیده می‌شود.

(ه) میزان رعایت بی‌طرفی علمی:

میزان بی‌طرفی علمی در مقدمه‌های این اثر عالی است، چنان‌که در متن اثر بسیار عالی است. زیرا امتیاز فلسفه در بی‌طرفی آن است، همان‌طور که ویژگی کلام در جانب‌داری آن از دین است. فیلسوف هرچه بزرگ‌تر باشد، طبعاً بی‌طرف‌تر است.

۴,۶ میزان نوآوری و روزآمدی اثر

الف) نقد میزان نوآوری در مقدمه مصححان:

۱. در دیباچه این اثر میزان روزآمدی، در جای خود، مناسب است، اما به *دانش‌نامه علائی* ربط چندانی ندارد؛

۲. در مقدمه «علم زیرین» نوآوری‌هایی دیده می‌شود، مثلاً توضیح سلیقه خاص ابن‌سینا در تنظیم بخش‌های هفت‌گانه *دانش‌نامه علائی* و پیروی صدرا و سبزواری از ترتیب *دانش‌نامه* و توضیح سبب ترجیح روش شرقی که ظاهراً تألیف اسبق آن *دانش‌نامه علائی* است (همان: ۱۲۱-۱۲۲) و تطبیق سخن ابن‌سینا (جسم بزرگ جسم کوچک را به خود می‌کشد) با جاذبه عمومی و انتساب آن به ثابت بن قره (همان: ۱۲۳)؛

۳. در مقدمه «موسیقی» تلخیص ساده و روان بخش موسیقی روزآمد و ستایش‌انگیز است (همان: ۲۳۲ و دنباله)؛

۴. مقدمه دکتر معین بر «علم برین» و پاورقی‌های او روزآمد و توأم با ابتکارهایی است.

ب) وجوه نوآوری در متن اثر:

متن *دانش‌نامه علائی* از چند وجه مبتکرانه است: از لحاظ نگارش آن به‌زبان فارسی؛ از لحاظ ادامه کار تأسیس فلسفه اسلامی که با فارابی آغاز شده بود؛ و از لحاظ طرح نظریات جدید. مثلاً ابن‌سینا در تبیین این موضوع که جنبش گرد (حرکت مستدیر) در وضع است صریحاً می‌گوید: «این چیزی است از جمله آن چیزها که ما به‌جای آوردیم» (همان: ۱۳۲)؛ در این‌جا ابن‌سینا قول به «وضع‌بودن حرکت مستدیر» را به خودش نسبت می‌دهد.

ج) روزآمدی اطلاعات و داده‌های اثر از لحاظ ارجاع به منابع جدید و برآوردن نیازهای روز:

۱. مقدمه و پاورقی‌های دکتر محمد معین در بخش «علم برین» حاوی اطلاعات روزآمد و مستند به منابع جدید است؛

۲. متن این اثر در حدود هزار سال پیش نوشته شده است، اما نظر به این‌که هزار سال گذشته حیات عقلی ما متعلق به ابن‌سیناست و به‌نحوی آثار او و به‌ویژه این اثر فارسی جزئی از هویت فرهنگی ماست، نیاز ما را در زمینه خودشناسی برآورده می‌کند؛ و چنان‌که اشاره شد، خودشناسی برای مبادرت به تفکر گام نخستین و ضروری به‌شمار می‌رود، چه آن‌که گرفتن تفکر دیگران بدون خودشناسی تقلید خواهد بود.

۵,۶ میزان هماهنگی اثر با مبانی آن

الف) میزان هماهنگی محتوای اثر با پیش‌فرض‌ها و مبانی پذیرفته‌شده خود:

۱. دیباچه این اثر تاحدی با پیش‌فرض‌های خود و در جای خود هماهنگ است. اما

چندان ربطی به *دانش‌نامه* ندارد و به‌قول نویسنده‌اش استطرادی (نامرتب بالذات) است؛

۲. نحوه تناسب مقدمه‌های مصححان اثر و پاورقی‌های آنان با پیش‌فرض‌ها و مبانی خودشان عالی است؛

۳. میزان هماهنگی محتوای بخش‌های مختلف اثر با مبانی و پیش‌فرض‌هایشان در حدی است که از شاه‌کارهای جهان شمرده می‌شود. صدر و ذیل سخنان ابن‌سینا در سراسر این اثر چنان سازگار و هماهنگ است که به‌ندرت می‌توان نظیری برای آن یافت؛

۴. موضوع علم برین موجود مطلق است که به واجب و ممکن تقسیم می‌شود (همان: ۳۶۶). اما ممکن چون بالغیر (به برکت واجب) است، پس وجودش عاریتی (امانتی واجب) است، به طوری که در قوس صعود (معاد) به واجب بازمی‌گردد و به تعبیر این اثر «خوش‌ترین خوشی پیوند واجب است». بنابراین، محتوای بخش «علم برین» این اثر با پیش‌فرض‌ها و مبانی آن، از جمله توحید واجب و سلسله‌مراتب هستی (قوس نزول و قوس صعود)، کاملاً هماهنگ است.

ب) میزان هماهنگی مفاد اثر با مبانی دینی:

هدف این اثر به‌ویژه در «علم برین» یگانه‌سازی دین و فلسفه است که به‌نظر ابن‌سینا هر دو از منبع واحد (عقل فعال) سرچشمه می‌گیرند (همان: ۲۱۱-۲۲۵). اختلاف اصلی غزالی و ابن‌سینا در این است که ابن‌سینا دین و فلسفه را یکی می‌داند، در صورتی که غزالی راه دین را از راه فلسفه جدا می‌شمرد که شاید غزالی از این لحاظ در ابن‌رشد اثر گذاشته باشد.

۶,۶ نقد میزان انطباق و جامعیت اثر

۱. میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن عالی است. محتوای این اثر که دانش‌های زمانه مصنف است با عنوان اثر و با فهرست آن کمال انطباق را دارد؛

۲. میزان جامعیت موضوعی و محتوایی این اثر در نوع خود از چنان مزیتی برخوردار است که فیلسوفی چون بهمنیار در تدوین کتاب اصلی خود، *التحصیل*، از این اثر الگوبرداری کرده است (بهمنیار ۱۳۴۹: ۱).

۷,۶ چگونگی بهره‌برداری از ابزار علمی

در این اثر اکثر مؤلفه‌های جامعیت صوری به بهترین وجه به کار گرفته شده است:

۱. مقدمه مصنف حاوی موضوع‌های زیر است:

- انگیزه مصنف برای تصنیف (فرمان علاءالدوله)
- سلیقه خاص مصنف در مورد مقدم داشتن علم برین بر علم زیرین؛
- بیان هدف مصنف (گردآوردن اصل‌ها و نکته‌های علوم حکمی پیشینیان).
- ۲. مقدمه مصححان پربارند، به‌ویژه مقدمه دکتر معین بر «علم برین»؛
- ۳. پاورقی‌های دکتر معین در بخش «علم برین» بهترین بهره‌گیری از ابزار حاشیه‌نویسی برای توضیح اصطلاحات متن است؛
- ۴. فهرست مطالب تاحدی مناسب است؛
- ۵. ابن‌سینا به‌خوبی از شکل‌های هندسی و غیره برای روشن کردن مطالب سودجسته است:
- برای اثبات مثلث و درعین حال برای نشان دادن قیاس مرکب از نخستین شکل کتاب اقلیدس (دو دایره متقاطع) بهره برده است (ابن‌سینا ۱۳۹۴: ۶۵)؛
- برای بیان این‌که چرا انسان چیزهای دورتر را کوچک‌تر می‌بیند از نموداری بسیار دقیق سودجسته است (همان: ۱۹۱)؛
- برای ابطال جزء لایتجزا از نموداری بهره گرفته است (همان: ۳۲۸). نیز برای ابطال جزء لایتجزا از سه تصویر چینش اجزای فرضی استفاده کرده است و برای بیان ابعاد سه‌گانه جسم از دو چلیپا بهره گرفته است.
- ۶. برای بیان ساده و روان مطالب موسیقی در مقدمه بخش «موسیقی» به‌بهترین وجه از تلخیص استفاده شده است.
- ۷. سه نمایه در این اثر چشم‌گیر است:
- نمایه اختلاف نسخه‌های بخش موسیقی؛
- نمایه اصطلاحات موسیقی؛
- نمایه اصلی تحت عنوان فهرست اعلام و اصطلاحات که به تکمیل و اصلاح نیاز دارد. مثلاً مدخل «عقل فعال» تکرار شده است (همان: ۴۴۸) و باید بر صفحات «عقل فعال» افزوده شود؛ در مدخل «علم الهی» باید صفحه ۲۱۱ افزوده شود؛ در مدخل «وجوب» باید صفحه ۳۱۵ افزوده شود؛ اصطلاح‌های بسیاری باید افزوده شوند، مانند اصطلاح «هویت» و اصطلاح مهم «هرآینگی» (وجوب) (همان: ۳۱۵).

۸,۶ میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی‌ها

در پاورقی‌های دکتر معین در بخش «علم برین» معادل‌های اصطلاحات متن به بهترین وجه فراهم شده است. در مقدمه «موسیقی» نیز معادل‌های متن موسیقی، در همین بخش «موسیقی»، در نمایه توضیحات و معادل‌های فرانسوی و انگلیسی آورده شده است. در متن این اثر معادل‌های بسیاری برای اصطلاحات عربی آورده شده است که در نمایه آخر آن مشهود است.

۹,۶ نقد و تحلیل رویکرد کلی اثر

تأثیر هزارساله متن این اثر از اهمیت بسیاری برخوردار است و این اثر را بی‌رقیب کرده است. این اثر امروزه نیز در جهان مورد توجه قرار گرفته است. ترجمه بخش طبیعیات و ریاضیات آن به فرانسه به قلم محمد آشنا و هانری ماسه در دو جلد در سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ در پاریس شاهدهی بر آن است. هم‌چنین ترجمه بخش الهیات این اثر به انگلیسی به قلم پرویز مروج در سال ۱۹۷۳ در نیویورک صورت گرفته است. به هر حال، نسبت و ارتباط محتوای علمی اثر با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایرانی - اسلامی کنونی تنگاتنگ و شدید است و برای خودشناسی ما حیاتی است.

۷. نقد و تحلیل چهارچوب نظری و روش‌شناختی اثر حول سه محور

۱. هستی‌شناسی که اساس تفکر فلسفی از قدیم تا کنون بوده است محور اصلی نظام فلسفی ابن‌سینا در این اثر است. نقل چند سخن او ادعای ما را به ثبوت می‌رساند. او می‌گوید:

هستی را خرد خود بشناسد، بی‌حد و بی‌رسم؛ که او را حد نیست؛ که او را جنس و فصل نیست؛ که چیزی از وی عام‌تر نیست؛ و را رسم نیست، زیرا که چیزی از وی معروف‌تر نیست (همان: ۳۱۶-۳۱۷).

به نظر ابن‌سینا موضوع علم برین هستی مطلق است، از آن‌روی که مطلق است؛ و محمولات مسائل آن حالت‌هایی است که ذاتی هستی است (همان: ۳۱۵). در هستی‌شناسی ابن‌سینا بر تمایز ماهیت از انیت (هستی) تأکید شده است تا ثابت شود که انیت موجودات، به جز واجب، عارض بر ماهیت آن‌هاست و چون هر عرضی معلل (محتاج به علت) است، پس ثابت می‌شود که همه موجودات، به سبب عرضی بودن

وجودشان بر ماهیتشان، محتاج واجب‌اند و فقط واجب است که ماهیتش همان وجودش است. «هستی را به‌تازی انیت خوانند و ماهیت دیگر است و انیت دیگر» (همان: ۳۴۳ و دنباله)؛ و چون «واجب‌الوجود را ماهیت جر انیت نشاید که بود» (همان: ۳۷۷)، پس موجود بر دو قسم است: یا هستی عین ذات آن است (واجب) یا هستی آن غیر از خود آن است (ممکن). بنابراین هستی برای ممکن عرضی است و هر عرضی معلل است: «هرچه ورا معنی عرضی بود و را علت بود» (همان: ۳۷۷، ۳۸۳). بدین ترتیب، زیرساخت خداشناسی ابن‌سینا در هستی‌شناسی او شکل می‌گیرد؛

۲. جهان‌شناسی دومین محور نظام فلسفی ابن‌سیناست. همان‌طور که اشاره کردیم، باید جهان‌شناسی او را از خداشناسی او آغاز کنیم. او می‌گوید:

عالم را اولی است که به عالم نماند (شبهه عالم نیست) و هستی عالم از وی است و وجود وی واجب است و وی را وجود به خود (بالذات) است؛ بلکه وی به حقیقت «هست محض» است و همه چیزها را وجود از وی است (همان: ۳۸۳).

او به علم‌بودن واجب اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که واجب‌الوجود مجرد است از مادت به غایت مجردی: «و هر مجرد از ماده علم است» (همان: ۳۸۴)، و چنین نتیجه می‌گیرد:

پس وی خود مر خود را عالم است و معلوم است، بلکه علم است. ... عالم و معلوم و علم یک چیز بود به این جایگاه. ... ذات وی که هستی ده همه چیزهاست معلوم وی است؛ پس همه چیزها از ذات وی معلوم وی است. ... علم وی علت است مر چیزها را که هستند (همان: ۳۸۳ و دنباله).

او اراده را نیز از علم می‌داند و می‌گوید: «خواست وی از دانش بر آن روی بود که داند که هستی چنین چیز اندر نفس خود خیر است و نیکوست» (همان: ۳۹۴). این‌جا نظام احسن و عنایت را پیش کشیده و در ادامه سخنش گفته است: «عنایت وی آن است که دانسته است که مثلاً مردم را اندام‌ها چگونه باید تا او را نیکوتر بود» (همان: ۳۹۵). ابن‌سینا چون علاوه بر نظام احسن به قاعده «الواحد لایصدر منه إلا الواحد» قائل است نظام عقول و اجسام فلکی را مطرح می‌کند و می‌گوید: «پس باید که از واجب‌الوجود اول موجود عقلی آید ... و از آن عقل، به یک جهت عقلی دیگر آید و به یک جهت جسمی آید ... و هم‌چنان از آن عقل عقلی دیگر و جسمی ...» (همان: ۴۴۸). پس بدین ترتیب ابن‌سینا سلسله‌مراتب هستی را در قوس نزول به تصویر می‌کشد؛

۳. علم النفس و شناخت‌شناسی سومین محور نظام فلسفی ابن‌سیناست. او در جوانی، پیش از بیست‌سالگی، درباره علم النفس به تألیف پرداخت. او در این اثر، که بعد از چهل‌سالگی به تألیف آن دست زد، بیش از ۴۵ صفحه به این موضوع اختصاص داده است (همان: ۱۸۰-۲۲۵)، ضمن آن‌که در مبحث کلی نیز به شناخت‌شناسی پرداخته است (همان: ۳۴۴ و دنباله). ابن‌سینا قوای نفس را به‌شیوه اطبا بررسی می‌کند، چنان‌که روان‌شناسی کنونی نیز توجه خاص به پزشکی دارد. ابن‌سینا در این اثر توجه خود را روی رابطه تن و روان متمرکز کرده و برای نفس انسان قیمی به‌نام عقل فعال تعیین کرده و گفته است: «معقولات را عقل فعال در نفس انسان به‌فعلیت می‌رساند» (همان: ۲۱۱ و دنباله). او درباره کلی به‌گونه‌ای بحث کرده که شاید به نام‌گرایی نزدیک شده است (همان: ۳۶۴).

۸. نتیجه‌گیری

در این اثر (دانش‌نامه علائی، ۱۳۹۴، انتشارات مولی) بخش‌های «منطق»، «علم‌زیرین»، و «علم‌برین» از چاپ انجمن آثار ملی (۱۳۳۱)، به‌تصحیح دکتر محمد معین و محمد مشکوة اخذ شده است و بخش «موسیقی» از چاپ مرکز نشر دانشگاهی (۱۳۷۱)، به‌تصحیح تقی بینش گرفته شده است و انتشارات مولی آن را «چاپ اول» اعلام کرده است. کارهایی که انتشارات مولی کرده است عبارت‌اند از:

۱. حذف سه بخش هندسه، هیئت، و ارثماتیقی، در صورتی‌که این سه بخش در چاپ انجمن آثار ملی با تصحیح مجتبی مینوی به‌چاپ رسیده‌اند؛
۲. آوردن بخش «علم‌زیرین» قبل از «علم‌برین»، در صورتی‌که این کار با سخن صریح ابن‌سینا مخالف است، چنان‌که در این مقاله در بخش «معرفی کلی اثر» توضیح داده شد؛
۳. افزودن دیباچه‌ای به‌قلم منوچهر صدوقی سها، در صورتی‌که این دیباچه چندان ربطی به دانش‌نامه علائی ندارد و به‌قول نویسنده آن استطرادی (و بالذات غیرمرتبط) است؛
۴. غلط‌شدن شماره اکثر صفحات ارجاعی، به‌ویژه در پاورقی‌های دکتر معین در «علم‌برین»، چنان‌که در «پیوست» این مقاله به تقریباً نیمی از این غلط‌ها اشاره کرده‌ایم؛

بنابراین مزایای این اثر (تصحیح‌ها، مقدمه‌ها، و ...) به چاپ انجمن آثار ملی و مرکز نشر دانشگاهی تعلق دارد و معایب آن (غلط‌بودن شماره صفحات ارجاعی، مقدم‌داشتن ناروای «علم زیرین» بر «علم برین»، و حذف‌شدن سه بخش هندسه، هیئت، و ارثماتیکی و ...) متعلق به چاپ انتشارات مولی است.

پیش‌نهادهای کاربردی

۱. مراعات سلیقه خاص ابن‌سینا در *دانش‌نامه علائمی* مبنی بر مقدم‌داشتن بخش «علم برین» بر «علم زیرین»؛
۲. باهم آوردن همه هفت بخش *دانش‌نامه علائمی* («منطق»، «علم برین»، «علم زیرین»، «هندسه»، «هیئت»، «ارثماتیکی»، و «موسیقی»)، بخش موسیقی براساس چاپ مرکز نشر دانشگاهی و بخش‌های دیگر براساس چاپ انجمن آثار ملی؛
۳. تهیه نمایه برای کل *دانش‌نامه علائمی* به‌دست حداقل دو متخصص و یک پارچه و کامل کردن کار آن دو به‌دست متخصص سوم؛
۴. جلوگیری از اشتباه‌شدن شماره صفحات ارجاعی به‌ویژه در پاورقی‌های علم برین.

پیوست

مربوط به بند «کیفیت چاپ و امور فنی اثر» / «غلط‌های این اثر» در سه ستون: ستون اول، شماره صفحه / سطر؛ ستون دوم، غلط‌ها؛ ستون سوم، صحیح‌ها

ش صفحه / سطر	غلط	صحیح
هفت / ۲۰	بسبب	سبب
پانزده / ۱۶	مما وجد	فتحه روی «ج» غلط است.
شانزده / ۲	فکنبی	تشدید روی «ک» غلط است.
هفده / ۴	فرزنگان	فرزانگان
بیست‌ویک / ۱۸	تاری	تازی
۶ / ۷۱ حاشیه ۱۲	حجنی	حجتی
۸ / ۱۰۰ جند	جند	چند

ص ۹ یا ۱۳۵ (برحسب دو شماره)	ص ۱۲	ح ۱ / ۱۲۳
		ص موجود در هر ص این اثر)
الدائرہ	الدایره	آخر / ۱۲۵
عباراتنا	عبارتنا	۱۲ / ۲۳۳
عیون الانباء	عیوالنبا	۱۱ / ۲۸۵
ص «و» یا ۱۲۴	ص ۷	۲ / ۲۹۸
دخیله	دخلیه	۱۸ / ۳۰۵
چرایى	جرایى	آخر / ۳۳۹
ص ۲۵ یا ۳۳۳	ص ۲۷	آخر / ۳۴۰
ص ۳۵ یا ۳۴۳	ص ۳۸	۱۹ / ۳۴۴
یا ۳۵۷	ص ۵۴	۲۳ / ۳۷۰
ص ۵۹ یا ۳۶۷	ص ۶۶	آخر / ۳۷۱
ص ۵۹ یا ۳۶۷	ص ۷۶	آخر / ۳۷۴
صحیح آن را پیدا نکردیم، به‌رحال	ص ۵۲ س ۲	آخر / ۳۷۵
		غلط است.
ح ۲	ج ۱	آخر / ۳۷۶
ص ۳۵	ص ۳۸	آخر / ۳۷۸
س ۳ و ح ۲	س ۲ و ح ۱	۲۱ / ۳۷۹
صحیح آن را پیدا نکردیم، به‌رحال	ح ۲	۱۹ / ۴۰۱
		غلط است.
صحیح آن را پیدا نکردیم، به‌رحال	ص ۱۵ و ح ۳	۲۱ / ۴۰۶
		غلط است.
تشدید روی «و» غلط است «اول» در	اول ... اول	۸ / ۴۴۸

هر دو مورد به ضم «الف» و فتح «واو» است.

شاید تا اواسط «علم برین» شماره صفحات در ارجاع‌های پاورقی‌ها تاحدی اصلاح شده باشد. به‌رحال آنچه در این پیوست آوردیم نمونه‌ای است از غلط‌های این اثر. بقیه اثر،

نقد و بررسی دانش‌نامه علائی، چاپ انتشارات مولی (فتحعلی اکبری و ملکه پندجو) ۶۵

به‌ویژه پاورقی‌های «علم برین»، نیاز به اصلاح دارد، البته اگر صفحات چاپ انجمن آثار ملی در نظر گرفته شود، مشکلی پیش نمی‌آید.

کتاب‌نامه

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۰۹ ق)، دانش‌نامه علائی، چاپ سنگی، حیدرآباد هند.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۱۵)، دانش‌نامه علائی، به تصحیح احمد خراسانی، تهران: شرکت مطبوعات.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۳۱)، دانش‌نامه علائی، به تصحیح دکتر محمد معین، محمد مشکوة، و مجتبی مینوی، تهران: انجمن آثار ملی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۱)، دانش‌نامه علائی، به تصحیح تقی بینش، ضمن سه رساله فارسی در موسیقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۹۴)، دانش‌نامه علائی، تهران: مولی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ق)، شفا و الهیات، قم، منشورات مکتبه المرعشی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ق)، شفا و سفسطه، قم: منشورات مکتبه المرعشی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۵ ق)، شفا و سماع طبیعی، قم: منشورات مکتبه المرعشی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۴۵)، عیون الحکمه، تحقیق عبدالرحمن بدوی، قاهره: المعهد العلمی الفرنسي.
- ارسطو (۱۳۶۶)، متافیزیک، ترجمه شرف‌الدین شرف، تهران: گفتار.
- بریه، امیل (۱۳۵۲)، تاریخ فلسفه در دوره یونانی، ترجمه علی مراد داودی، تهران: دانشگاه تهران.
- بهمنیار (۱۳۴۹)، التحصیل، به تصحیح مرتضی مطهری، تهران: دانشگاه تهران.
- حلی، علامه یوسف (۱۳۳۷)، ایضاح المقاصد، به تصحیح علی نقی منزوی، تهران.
- شهرستانی، محمد (۱۳۳۵)، ملل و نحل، ترجمه افضل‌الدین ترکه اصفهانی، به تصحیح جلالی نایینی، تهران: اقبال.
- صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۷)، اسفار اربعه، به تصحیح ابراهیم امینی و فتح‌اله امید، قم: معارف.
- فارابی (۱۹۴۸)، احصاء العلوم، تحقیق عثمان امین، قاهره: دار الفکر العربی.
- موسوی خوانساری (۱۳۹۲)، روضات الجنات، قم: مکتبه اسماعیلیان.

